

# نمایش‌های خلاق و مسائل پیش‌رو

(گزارش یک تجربه)

حسن بیان لو

**Creative Theater and  
the Issues ahead  
(Report an Experience)  
By: Hasan Bayanlou**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## اشاره

نمایش آموزشی و نمایش خلاق در ایران قدمت درخوری دارد اما با وجود این، هنوز چنان که باید شناخته شده نیست و جایگاهی که باید، نیافته است. در این گفتار، ابتدا به تعریف چند اصطلاح که در این خصوص و حوزه‌های نزدیک به آن مرسوم است پرداخته‌ایم، زیرا این نکته نیز اغلب مغفول مانده و در نتیجه خلط مباحث‌های فراوانی را پیش آورده است. سپس بر اساس تجربه‌ای از اجرای این شیوه‌ی نمایشی در یکی از مدارس تهران، مسائلی را که پیش روی آن است، تبیین کرده‌ایم.

## ۱. اصطلاحات

ابتدا از اصطلاحاتی آغاز می‌کنیم که حوزه‌های نزدیک به نمایش آموزشی، و نه دقیقاً این حوزه- را تعریف می‌کند. شماری از این تعاریف متعلق به مت بوکانن<sup>۱</sup> ( Matt Buchanan ) از هنرمندان حرفه‌ای نمایش

آموزشی است. تئاتر کودکان (Childrens Theatre) یا تئاتر برای نوجوانان (Theatre for Young Audiences : TYA) اصطلاحاتی است درباره‌ی اجرای نمایشی برای مخاطبان کودک و نوجوان که چارچوب اجرایی آن از پیش تعیین شده است. گروه نمایش ممکن است از افراد بزرگسال تشکیل شده باشد، ولی ضروری است که موضوع نمایش درباره‌ی کودکان و نوجوانان باشد. اما تئاتر با کودکان و نوجوانان (Theatre by Children and Youth) به نمایشی اشاره دارد که بازیگرانش خود کودکان و نوجوانان‌اند. تئاتر مشارکت (Participation Theatre) نیز نمایشی برای مخاطبان کودک و بزرگسال است که فرصت‌هایی برای مشارکت، کم یا زیاد، تماشاگر در روند شکل‌گیری و پیشرفت نمایش ایجاد می‌کند.

اما نمایش آموزشی (Educational Drama) عنوانی کلی برای نمایش‌هایی است که هر یک به شکلی وارد مقوله‌ی تعلیم و تربیت می‌شوند و بیش از آن که به نمایش به عنوان هنر بنگرند، آن را به صورت ابزاری کارآمد برای آموزش به کار می‌برند. چند اصطلاح شاخص در این زمینه عبارت‌اند از:

**نمایش خلاق (Creative Drama):** تعاریف متفاوتی از نمایش خلاق شده است، مانند این که انجام تمرینی نمایشی بدون مراعات قواعد رسمی نمایش و پانتومیم؛ قطعات و داستان‌های فی‌البداهه؛ تمرین‌ها و نوآوری‌های حرکتی و بازی‌ها و سرودهای نمایشی که کودکان با راهنمایی مربی انجام می‌دهند و هدف از آن بیش‌تر کمک به پرورش توانایی‌های بازیگران است تا سرگرمی تماشاگران. یا تجربه‌ی نمایش سازمان‌یافته‌ای که شکلی از وانمودبازی (Pretenting at Play) است و در آن کودکان مشکل یا رویدادی برخاسته از ادبیات کودکان را با هدایت آموزگار، خلق یا بازآفرینی می‌کنند و این فعالیت به وسیله‌ی خود آن‌ها طراحی و ارزشیابی می‌شود.<sup>۲</sup>

در مجموع، نمایش خلاق شیوه‌ای آزاد و بداهه است که در آن هر موضوع داستانی و غیرداستانی دست‌مایه‌ای برای اجرای نمایش با کمک مربی است و در این اجرا، اعضای گروه به هدفی آموزشی یا تربیتی می‌رسند و یا مفاهیم انتزاعی و ناملموس را برای خود ملموس و دست‌یافتنی می‌کنند.<sup>۳</sup> همین‌جا باید نکته‌ی مهمی را یادآور شد: تصور رایج در کشور ما این است که نمایش خلاق شیوه‌ای مخصوص





کودکان و نوجوانان است، اما به گواه منابع موجود، این شیوه باهمین نام برای جوانان و حتی کهنسالان نیز به کار می‌رود. indrama: DIE Education

**نمایش در آموزش:** این رهیافت عبارت از استفاده‌ی نمایش به عنوان ابزار یا وسیله‌ی تدریس موضوع‌های درسی یا غیردرسی است. از این روش (DIE) در آموزش همه‌ی علوم می‌توان بهره برد؛ در حالی که در نمایش خلاق بیش‌تر تجربه‌کردن احساس‌های مفید و تمرینش انسانی که به رشد افراد کمک می‌کند، در کانون توجه قرار می‌گیرد.

**تئاتر در آموزش (Theatre In Education: TIE):** این شیوه بیش‌تر در بریتانیا شکل گرفته و سپس به نقاط دیگر جهان رفته است و با تئاترهای سنتی دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی متفاوت است. در این جا دانش‌آموزان به ایفای نقش نمی‌پردازند بلکه شاهد اجرای نقش توسط «معلم بازیگر» هستند. او با ایفای نقش‌های گوناگون به ادراک دانش‌آموزان از مفاهیم کمک می‌کند و حداکثر نوعی چالش گفتاری میان معلم بازیگر و حاضران شکل می‌گیرد.

مقایسه میان «نمایش» و «نمایش آموزشی»، تفاوت‌ها و اهداف هر یک را به خوبی روشن خواهد ساخت. «نمایش» محصول محور است؛ گروه اجرا پس از جلسات متعدد تمرین، نمایشی را آماده می‌کند تا در معرض دید مخاطبان قرار دهد. اما «نمایش آموزشی» فرآیند محور است؛ کودکان در تمرینی نمایشی شرکت می‌کنند که هدف آموزشی یا تربیتی در همان تمرین نهفته است. راه همان مقصد است. برای اجرای «نمایش» به معنای متعارف، مربی به‌ناچار میان کودکان دست به انتخاب می‌زند و فقط آن گروه برگزیده در کار مشارکت می‌کنند ولی در «نمایش آموزشی» همه‌ی اعضای گروه دخیل‌اند. «نمایش» یک نقش اصلی دارد و دیگران نقش‌های فرعی را بر عهده دارند، اما در «نمایش آموزشی» فرصت‌ها برای همه برابر است. در نمایش، حاصل کار معمولاً بر اساس نمایش‌نامه‌ای شکل گرفته است که محصول ذوق و اندیشه‌ی یک نفر است و آن یک نفر. نویسنده. نیز کسی از میان خود کودکان نیست و پیدا نیست چقدر با دغدغه‌های آن‌ها آشناست و متن نمایشی‌اش زبان حال آن‌هاست. اما در «نمایش آموزشی» نمایش‌نامه، متنی شفاهی محصول اعضای گروه با چند نسخه و روایت متفاوت است و پویایی توانایی حکم و اصلاح دارد. «نمایش» محصولی آماده است که پیامی مشخص دارد و آن را در رابطه‌ای یک‌سویه به مخاطبان منتقل می‌کند. کودکان در برابر این پیام، مخاطبانی منفعل‌اند، ولی در «نمایش آموزشی» رابطه دوسویه است و اگر مخاطبی هم باشد، نقشی

فعال دارد.

## ۲. کارکردها

مت بوکانن می‌گوید: «برقراری ارتباط اساس نمایش است. نمایش مانند تمام هنرها به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد که از راه‌های جدید با دیگران ارتباط برقرار کرده، آن‌ها را درک کنند. در دنیای اطلاعات‌محور امروز که جنبه‌های کاربردی برقراری ارتباط مورد نیاز است، شاید نمایش بیش از هر شکل هنری دیگر به آموزش این جنبه بپردازد.»<sup>۴</sup>

برای نمایش آموزشی کارکردهای بسیار گسترده‌ای قائل شده‌اند و در این مطلب هیچ اغراقی نیست. تجارب کشورهای پیشرفته در این زمینه به‌طور رسمی چندین دهه قدمت دارد. چکیده‌ی کارایی‌های این شیوه از نظر محققان و پس از این تجربه‌ی درخور و درازمدت در دو حوزه‌ی آموزش و پرورش به شرح زیر است:

- بالا بردن سطح دانش و مهارت‌های علمی
- بالا بردن سطح دانش و مهارت‌های اجتماعی
- بالا بردن سطح دانش و مهارت‌های هنری
- شناخت و انس دانش‌آموزان با فرهنگ، ادبیات و تاریخ

کشورشان

- یادگیری آسان دروس
- ماندگاری مباحث درسی در ذهن دانش‌آموزان
- ارتقای مهارت‌های شنیداری
- ارتقای مهارت‌های بیانی
- پرورش اندیشیدن خلاق (به جای تقلید صرف)
- پرورش تخیل
- انتقال مؤثر مسائل مذهبی و رفتارهای اخلاقی
- پرورش روحیه‌ی اجتماعی و همکاری
- پرورش اعتماد به نفس
- کم کردن تنش‌های روحی
- ایجاد احساس لذت و موفقیت در کودک

چشمگیر نماید اما به سادگی و احتمالاً به دلیل برخی ملاحظه‌کاری‌ها و مصلحت‌اندیشی‌ها، خود را به ندیدن می‌زنیم و از خیرش می‌گذریم. شیوه‌ی نمایش آموزشی در عین کم‌هزینه بودن، می‌تواند پیشرفت تحصیلی شگرفی را در پی داشته باشد، رنگ ملال را از معلم و دانش‌آموز بزداید و به‌ویژه کودکان را برای ورود به عرصه‌ی زندگی آماده‌تر کند. باین همه، جز چند تلاش پراکنده و محدود، قدمی برای جدی گرفتن این شیوه برداشته نشده است.

تجربه‌ی ما در این زمینه از سال ۱۳۸۱ آغاز شد. موضوع در معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد هنر مطرح و سپس به سازمان آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران ارائه شد. طرح با استقبال روبه‌رو گردید و در نشست‌هایی قرار شد ۴۰ تن از معلمان مقطع ابتدایی به شکلی آزمایشی در یک دوره‌ی آموزشی شرکت کنند تا با شیوه‌ی نمایش خلاق آشنا شوند و آن را در کلاس‌های خود اجرا کنند. از آن پس، طی سه سال متوالی (۸۴-۱۳۸۲)، سه دوره‌ی آموزشی برای این معلمان برگزار شد. در دوره‌ی نخست ۴۰ تن، دوره‌ی دوم ۲۰۰ تن و در دوره‌ی سوم ۴۰۰ تن (جمعاً حدود ۶۰۰ آموزگار) آموزش دیدند. در سال ۱۳۸۵، هم دوره‌ی تکمیلی برای ۶۰ تن از همین معلمان برگزار شد که در سطحی بالاتر آموزش‌های لازم را طی کردند.

گذشته از تلاش‌های ارزنده و جاودان بزرگانی همانند مرحوم جبار باغچه‌بان و مرحوم سیدحسین نیرزاده‌ی نوری که فردی خودجوش بود، در تجربه‌ی ما ظاهراً برای نخستین بار بود که شیوه‌ی نمایشی رسماً وارد آموزش و پرورش می‌شد. به همین دلیل، قطعاً نقص‌ها و کاستی‌های یک حرکت آغازین را هم داشت. باین همه، نتایج مثبت این اقدام چنان چشمگیر بود که تردیدی در درستی راه باقی نمی‌گذارد. شمه‌ای از این فعالیت را در نظرسنجی از معلمان می‌توان دید. نکته‌ای که همین‌جا باید یادآور شد این است که شیوه‌ای که ما برای کار با دانش‌آموزان به آن عمل کردیم، به دلایل مختلف، ترکیبی از شیوه‌های مختلف نمایش آموزشی بود.

### ۳.۱. نظرسنجی از معلمان

به منظور ارزیابی نتایج طرح از دیدگاه معلمان، در خرداد ۱۳۸۵ از ۱۲۰ تن از آن‌ها (۲۰٪ کل معلمان آموزش‌دیده) که به شکل اتفاقی انتخاب شده بودند، نظرسنجی شد. ۷ تن (حدود ۵/۵٪) از پاسخ‌دهندگان در دوره‌ی اول (۱۳۸۲)، ۳۱ تن (حدود ۲۶٪) در دوره‌ی دوم (۱۳۸۳) و ۷۹ تن (حدود ۶۶٪) در دوره‌ی سوم

### ۳. یک تجربه

باورش دشوار است، ولی واقعیت دارد که ما در بسیاری مواقع، راه تحول و پیشرفت در زمینه‌ای را می‌یابیم و پیش چشم‌مان می‌گذاریم اما آن را در پیش نمی‌گیریم و از آن می‌پرهیزیم؛ دیگر روشی از این سهل‌تر و سودمندتر نمی‌توان یافت که غبار کهنگی را از پیکر آموزش و پرورش ما بزداید و آن را دچار تحول و جهشی

(۱۳۸۴) آموزش دیده بودند. ۳ تن (۵/۲٪) هم در میان هیچ‌کدام از این گروه‌ها نبودند که ظاهراً نشانگر معلمانی بودند که بدون شرکت در دوره‌ی آموزشی (و به واسطه‌ی آشنایی با تماشای خلاق از طریق همکاران) این شیوه را اجرا کرده بودند. از ۱۲۰ فرم توزیع شده، پرسش‌های ۵، ۸ و ۱۱ را یک تن، و پرسش ۱۵ را دو تن بی‌پاسخ گذاشتند. پرسش‌ها و درصد رأی پاسخ‌دهندگان به آن‌ها به شرح زیر است:

### ۳.۱.۱. چند نکته درباره‌ی جدول نظرسنجی

- رتبه‌ی «خیلی زیاد» تمام پرسش‌های بالای ۶۰٪ است.
- کم‌ترین رتبه‌ی «خیلی زیاد» ۵/۶۲٪ (پرسش ۱۳) و بیش‌ترین رتبه‌ی «کم» ۴٪ (برای همان پرسش) است.



- رتبه‌ی «کم» در چهار پرسش، بین ۵/۱ تا ۵/۲ درصد است، پنج پرسش نیز ۱ درصد رتبه‌ی «کم» گرفته‌اند، پنج پرسش هم هیچ رأی «کم» نداشته‌اند.
  - از مجموع ۱۵ پرسش، ۹ پرسش بیش از ۸۰٪ رتبه‌ی «خیلی زیاد» داشته است.
  - پرسش ۳ با ۵/۹۷ درصد بیش‌ترین رتبه‌ی «خیلی زیاد» را دارد. پرسش‌های ۱۱ و ۷ نیز در رتبه‌های بعدی‌اند.
- این جدول تصویری موجز و گویا از تأثیرهای دامن‌دار و چندجانبه‌ی شیوه‌های نمایشی در کلاس درس است و می‌تواند پایه‌ی حرکت‌های بعدی باشد. یک پرسش تشریحی نیز برای معلمان مطرح کرده بودیم: «در اجرای طرح چه مشکلات و موانعی داشتید؟» فراگیرترین نظرات در این زمینه بود که در ضمن مطالب پایانی مقاله بدان می‌پردازیم.

## ۳.۲. آینده‌ی نمایش آموزشی در ایران

مرحوم باغچه‌بان بسیار پیش از ما به تأثیر معجزه‌آسای بازی و نمایش بر کودکان پی برده بود. او در کتاب حساب خود که برای تدریس ریاضیات ابتدایی تدوین کرده بود، یادآور می‌شود: «این کتاب برای تربیت هوش و فکر بچه‌های ناشنوا نوشته شده است و شکل بازیچه دارد... این کتاب برای بچه‌های شنوا نیز مفید است. هیچ‌یک از معلمان دبستان نباید آن را کتاب درس، بلکه باید کتاب بازی بدانند»<sup>۹</sup> پس گراف نیست که در این روزگار، روی آوردن به این شیوه را انتظار داشته باشیم.

اکنون که این مقاله نوشته می‌شود، برای طرح ما در آموزش و پرورش اتفاقی ناخوشایند رخ داده است که به آن اشاره خواهد شد. اما چه در طرح ما و چه در طرحی مشابه که دیگری دنبال کند، آینده‌ی نمایش آموزشی در ایران چه خواهد بود و چه مسائلی را پیش رو خواهد



داشت؟

با مشاهده‌ی تجربه‌ی معلمان و شنیدن نظرات آنان درباره‌ی چند و چون تدریس به شیوه‌ی نمایشی طی این چند سال و تجاری‌سازی که در این زمینه به دست آوردیم، چند نکته برای ادامه‌ی این شیوه. اگر روزگاری قرار بر آن شد که ادامه یابد. به نظر می‌رسد:

• برای تعبیر شیوه‌ی تدریس در مدارس و تقویت شیوه‌های نمایشی در سطحی گسترده، نیازمند تدوین شیوه‌نامه‌ای سنجیده‌ایم که توسط کارشناسان فن در نمایش آموزشی و تعلیم و تربیت تنظیم شده باشد. شماری از مشکلاتی که از این پس اشاره می‌شود به همین مورد بازمی‌گردد.

• در طرح اولیه‌ای که به آموزش و پرورش ارائه شد، پیشنهاد شده بود که از دانش‌آموختگان و دانشجویان رشته‌ی نمایش برای کار با

دانش‌آموزان و نظارت و همکاری با معلمان استفاده شود (که به گونه‌ای همان شیوه‌ی معلم-بازیگر بود). مسئولان آموزش و پرورش با این پیشنهاد مخالفت کردند که یکی از دلایلش هزینه‌بر بودن آن بود. البته برای رفع این مشکل، دانش‌جویان تئاتری می‌توانند به عنوان یک واحد درسی با مدارس همکاری کنند و حق‌الزحمه‌ای دریافت نکنند اما تجارب استادان فن نیز در این زمینه لازم است و بهتر است آموزش و پرورش در این زمینه هزینه کند. شیوه‌ای که ما در عوض به آن عمل کردیم، آموزش معلمان بود تا آن‌ها خود مستقلاً با بچه‌ها کار کنند. این روش گرچه خالی از فایده نیست، ولی در همین مدت کوتاه نیز مشکلات خود را نشان داده است. تعدادی از معلمان توانایی‌های نمایشی ندارند و در برابر این شیوه‌ها مقاومت می‌کنند. این افراد طبعاً در به کارگیری این شیوه‌ها در کلاس درس هم ناموفق‌اند. آن دسته از معلمان هم که با این شیوه همخوان‌اند و زود جذب آن می‌شوند به دلیل بی‌تجربگی در زمینه‌ی نمایش و عدم تسلط بر آن، گاه با مشکل و مانع روبه‌رو می‌شوند. همین‌جا لزوم ایجاد واحدهای درسی نمایشی در دانشکده‌های تربیت معلم به چشم می‌خورد- به هر حال، در شکل فعلی اگر دانش‌جویان تئاتر، چند واحد درسی درباره‌ی روان‌شناسی کودک و موارد مشابه بگذرانند و به مدارس بیایند، دست‌یافتنی‌تر از آن است که معلمان در زمینه‌ی نمایش تجربه بیندازند. البته بار مالی اضافه شدن تئاتری‌ها به آموزش و پرورش تنها دلیل این تصمیم‌گیری نبود. دلیل دیگر همانی است که موجب شده در این سال‌ها آموزش و پرورش تا آن‌جا که ممکن است از نمایش فاصله بگیرد تا عواقبی دامن‌گیرش نشود!

نکته‌ی اسف‌انگیز دیگر که در تجربه‌ی ما رخ داد این بود که (این بار صرفاً به دلیل هزینه‌ها) مسئولان تصمیم گرفتند تعدادی از معلمان، خود بدل به مدرس نمایش خلاق شوند و معلمان دیگر را آموزش دهند. ولی با این دوره‌های محدود و این تجارب کم، کسی نمی‌تواند مدرس نمایش خلاق شود. فراموش نمی‌کنم معلمان معصومی را که قرار بود مدرس شوند و در آخرین ساعات دوره با چشمی نگران از ما می‌پرسیدند حالا باید برای تدریس به همکاران چه کنیم؟! حال تصور کنید معلمان را که از این همکاران آموزش می‌بینند و تصور کنید کلاس درسی که آن معلمان با دانش‌آموزان خود برگزار خواهند کرد. این کوتاه‌ترین مسیر برای خراب کردن طرح و ناکارآمد نشان دادنش بود!

نمایش آموزشی یا نمایش خلاق در ایران چندان پایه و میه‌ای ندارد که تدریس آن به معلمان مسیر کاملاً مشخص و روشنی داشته باشد. ما برای شروع به سراغ مدرسانی رفتیم که در این زمینه تجربه‌ی شخصی داشتند یا از تجارب کشورهای که در شیوه‌های نمایشی قدمت دارند از راه مطالعه و مشاهده آگاه بودند. طرح ما هر چه تمر داشت حاصل تجارب همین افراد بود. باین همه، نوع و میزان این تجارب متفاوت بود و گاه در اوایل کار، معلمان از تفاوت‌ها یا حتی تناقض‌های سخن مدرسان گله می‌کردند. البته این مطلب به مرور کم‌تر و کم‌تر شد و مدرسان در هماهنگی بیش‌تری با هم قرار گرفتند اما بخشی از قضیه هم به نظر می‌رسد طبیعی باشد. تا جایی که دریافتیم در همان کشورهای سابقه‌دار هم هیچ قانون نوشته شده و تخطی‌ناپذیری در این زمینه وجود ندارد و هر کس با تجارب و روش‌های ابداعی خود کار می‌کند یا به روش‌های بزرگانی چون اوپولا اسپولین تاسی می‌کند. اما نمی‌توان نادیده گرفت که ما در این زمینه نیازمند مطالعه و تجربه‌ی بسیاری. کتاب‌های بسیاری باید ترجمه شود و اندک‌اندک کتاب‌های درخوری نیز تألیف گردد.

## موانع

در این چند سال، معمولاً معلمان از چند عامل همواره گله‌مند بوده‌اند. یکی از آن‌ها کمبود زمان کلاس برای کار نمایشی است. این مشکل معلول علت‌های دیگری است (موارد زیر) که با رفع آن‌ها، مرتفع خواهد شد:

- حجم مطالب کتاب‌های درسی ما زیاد است و از آن‌جا که برای شیوه‌ی تدریس نمایشی تنظیم نشده است، با وقتی که اجرای نمایش در کلاس درس می‌طلبید همخوان نیست. در صورت جدیت در اجرای چنین طرحی، کتاب‌های درسی از نظر حجم و نوع مطالب باید بازنگری شود.

- تعداد زیاد دانش‌آموزان هر کلاس (به‌ویژه در مناطقی که ما طرح را اجرا کردیم) مزید بر علت است. این مسئله باعث می‌شود بی‌نظمی در کلاس بیش‌تر شود یا همه‌ی دانش‌آموزان نتوانند در فعالیت‌های نمایشی حضوری درخور داشته باشند. برای این معضل نیز باید چاره‌ای اندیشید.

- محدودیت یا نبود فضای مناسب آموزشی (به‌ویژه در مناطق یادشده) هم موردی شایع است که کار نمایشی را محدود می‌کند. نمایش آموزشی نیازی به سالن تئاتر و پرده و وسایل نوری ندارد، اما فضای برخی کلاس‌ها چنان تنگ است که مجال کم‌ترین تحرکی در آن‌ها نیست.

- اساساً نظام آموزشی ما با شیوه‌ی نمایشی بیگانه است و در نتیجه در مقابل آن می‌ایستد. معلمان در طول این مدت، گاه از عدم

همکاری یا کارشکنی مسئولان اداری، مدیران مدارس، همکاران یا حتی اولیای دانش‌آموزان شکوه کرده‌اند چرا که کلاس درس خوب هنوز کلاسی است که از آن صدایی برتخیزد و دانش‌آموزان در حال خواندن و نوشتن و بازی کردن محفوظات باشند! تمامی نظام آموزشی ما نیازمند آن است که شیوه‌ی نمایشی را بازیابد و لحظات زیبا و وصف‌ناشدنی فرزندانمان را در این کلاس‌ها بشناسد. این گفتار را با خاطره‌ای در همین زمینه به پایان می‌برم. یکی از خانم‌های معلم با بچه‌ها قرار گذاشته بود که من خورشیدم و شما دانه‌اید. هر روز صبح وقتی معلم به طرف کلاس می‌آمد، بچه‌ها زود به زیر میز می‌رفتند و با ورود معلم به شکل دانه‌های در حال رشد از زیر میز آهسته قدمی کشیدند و بالا می‌آمدند. این قرارداد، هم بازی ساده و زیبایی میان معلم و دانش‌آموزان بود و هم از این راه، هربار یکی از مفاهیم درس علوم (گیاهان) به بچه‌ها آموزش داده می‌شد!

## یادداشت‌ها

۱. مت بروکانن، *اصطلاحات* (تعریف اصطلاحات مهم نمایش کودک و بحث درباره‌ی آن‌ها)، ترجمه‌ی داوود زین‌لو، در سایت [WWW.CREATIVEDRAMA.IR](http://WWW.CREATIVEDRAMA.IR)
۲. بیل هیبگ، راث و نیدا استیل‌ول، *نمایش خلاق در کلاس درس*، ترجمه‌ی علی‌حسین قاسمی (تهران: انتخاب نو، ۱۳۸۰)، ص ۸
- ۳- چمبرز، دیویی. *قصه‌گویی و نمایش خلاق*، ترجمه‌ی ثریا قزل‌ایاغ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ج دوم: ۱۳۷۲، ص ۶۶
- ۴- مت بروکانن، *چرا باید در مدارس نمایش تدریس شود؟* (سخنی در دفاع از این حرفه)، ترجمه‌ی داوود زین‌لو، در سایت [WWW.CREATIVEDRAMA.IR](http://WWW.CREATIVEDRAMA.IR)
- ۵- فهیمه محمدی، *احوال و دیدگاه جبار باغچه‌بان*، (تهران: پژوهشکده‌ی کودکان استثنایی، ۱۳۸۰)، ص ۳۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی